

مقدمه	۱-۱
فصل اول: کلیات روانشناسی جنسیت و زنان	۱-۲
فصل دوم: نقش‌های اجتماعی و خانگی زنان	۲-۱
فصل سوم: تغییرات روانشناختی در دوران بلوغ و بارداری	۳-۱
فصل چهارم: مسائل روانشناختی دوران بارداری و زایمان	۴-۱
فصل پنجم: مسائل روانشناختی دوران شیردهی	۵-۱
فصل ششم: مسائل روانشناختی دوران کودکی و نوجوانی	۶-۱
فصل هفتم: مسائل روانشناختی دوران جوانی و بزرگسالی	۷-۱
فصل هشتم: مسائل روانشناختی دوران پیری	۸-۱
فصل نهم: مسائل روانشناختی دوران یائسگی	۹-۱
فصل دهم: مسائل روانشناختی دوران بازنشستگی	۱۰-۱

کارن هورنای

# روانشناسی زنان

- گریز از زنانگی
- زنانگی سرخورده
- دشواری‌های زناشویی
- ترس از زن
- ارزش دادن بیش از حد به عشق
- آزار طلبی در زنان
- تغییرات شخصیت در دختران نوجوان

ترجمه: دکتر هوشمند ویژه



میشد ریشه  
 زن از ریشه  
 ۲۸۱ ..... زن که زن را زن رسیده و زن که زن را زن رسیده و زن که زن را زن رسیده  
 ریشه ریشه  
 ریشه ریشه

### فهرست

۵ ..... یادداشت مترجم

۱۳ ..... پیشگفتار

بخش یکم

۴۷ ..... خاستگاه عقده‌ی اختگی در زنان

بخش دوم

گریز از زنانگی

۷۱ ..... عقده‌ی مرد بودن در زنان از دیدگاه مردان و زنان

بخش سوم

زنانگی سرخورده

۹۳ ..... مشارکت روانکاوی در حل مسائل سرهمزاجی

بخش چهارم

مُعضل ایده‌آل تک‌همسری

۱۱۱ ..... بخش پنجم

۱۳۱ ..... تَنبِش پیش از قاعدگی

بخش ششم

۱۴۵ ..... بدگمانی میان زن و مرد

بخش هفتم

۱۶۳ ..... دشواری‌های زناشویی

بخش هشتم

ترس از زن

تفاوت خاصی احساسی ترس مردان از زنان و ترس زنان از مردان ..... ۱۸۳

بخش نهم

انکار مهبل

بررسی مسئله‌ی اضطرابات تناسلی خاص زنان ..... ۲۰۵

بخش دهم

عوامل روان‌زادی در اختلالات کارکردی بدن زنان ..... ۲۲۵

بخش یازدهم

تعارضات مادری ..... ۲۴۵

بخش دوازدهم

ارزش دادن بیش از حد به عشق

بررسی زن معمولی امروزی ..... ۲۵۷

بخش سیزدهم

مشکل تمایلات آزارطلبی در زنان ..... ۲۹۵

بخش چهاردهم

تغییرات شخصیت در دختران نوجوان

..... ۳۲۱

بخش پانزدهم

نیاز روان‌رنجورانه به عشق

..... ۳۳۹

یادداشت مترجم

«بهشت زیر پای مادران است»

زن فرهیخته و روشن‌روان فرشته‌ی آفرینش است، سرچشمه‌ی زایش است، مرد را همسر است، دختر است، خواهر است، مادر است. یاور است، رهنما و راهبر است، دلسوز است، خانه را چراغ پُر فروز است. می‌زاید و می‌سازد و می‌سوزد. بساخت و بسوخت، «شب‌ها بر گاهواره‌ی من بیدار نشست و خفتن آموخت» مهرورز و مهربان است، جانسوز و پرتوان است، آرام‌بخش روح و روان است، سنگ صبور است، مایه‌ی شادی و سرور است، آفریننده است، زاینده است، پرورش‌دهنده است. ماه‌ها رنج می‌برد نسل آینده را در بطن خود می‌پرورد. با درد و رنج او را به دنیا می‌آورد بی آن‌که این درد و رنج را به روی خود آورد. سال‌ها در نگرانی و هول و هراس به سر می‌برد تا فرزندش بزرگ شود، به عرصه برسد و انسانی مستقل شود. در هر نفسش به یاد اوست و در هر قدمش به مُراد اوست. عاشق است، عشق می‌ورزد، عشقِ پاکِ همسری، عشقِ پاکِ مادری، دنیا بی او از عشق و محبت تهی است و دنیایی ناقص و نارس است... و این همه به فرهنگ و فرهیختگی، روشن‌روانی و روان سالم او بستگی دارد. به قول فردوسی: «به فرهنگ باشد روان تندرست»

فرهنگ و فرهیختگی است که ما را از سرخوردگی، سرگشتگی، افسردگی، اضطراب و بیماری‌های روانی مصون می‌دارد و این همه به شرایط خانوادگی در دوران کودکی و شرایط اجتماعی سال‌های پس از کودکی مربوط می‌شود. غرایز خدادادی کودک را می‌توان به مسیری شاد و آرام رهنمون شد و می‌توان به راهی